



## زن

### در مناظره سه شاعر معاصر

خطاب فرخ بانو نیر سعیدی

که گوید ، این پیامم ، گاه دیدن؟  
 نکویان را ، که می باید شنیدن :  
 خرامان رفتن و دامن کشیدن ،  
 هزاران حيله و اسباب چیدن .  
 «ولی از بیم نتوانم چغیدن» .  
 که گرگان نیک دانندی دریدن .  
 تو خواهی شان که آموزی پریدن ؟  
 فرخ

بانوی سخن پرداز «نیر» ،  
 شنیدم ، در مقالی 'داده ای پند ،  
 نکو پوشیدن و آرایش خوب ،  
 برای بردن دلهای مردم ،  
 مراهم با تو میباشد مقالی  
 تو گرگان را ، رفو کردن بیاموز ،  
 خود این مرغان ، پرآندن نیز دانند .

☆ استاد سید محمود فرخ از شاعران نامدار و قصیده سرایان طراز اول معاصر  
 ☆ بانو نیر سعیدی ، نماینده سابق مجلس شورای ملی ، از شاعران نغزگو و لطیفه پرداز

معاصر

## پاسخ نیرده سعیدی به فرخ

ز بعد مدتی دوری گزیدن .  
بتن پیراهن تقوا دریدن ؟  
قلم بر عفت و تقوا کشیدن .  
نباشد گل به بستان بهره چیدن .  
نماید حمله، هنگام رمیدن .  
رموز عشق و امید آفریدن  
رساند میوه هاپیش از رسیدن .  
کی از شود وصالش کام بخشد؟؟

عجب یادی ز ما کردی تو «فرخ» !  
کجا گفتم که باشد دلربایی ،  
غرض ز آرایش رخسار زن نیست ،  
مراد از دلبری ، دلدادگی نیست ،  
غزال ادرسم دلداری نداند ،  
زن از آموخت راز دلربایی ،  
کند پر گل نهال طبع شاعر ،  
زن مهر و ترا الهام بخشد ،

دکتر کاسمی

شنیدستم ، بشوخی ، گفتگویی .  
بهر محفل ؛ بتهران، های وهوئی .  
در اینجا ، رشته‌ی مطلب بمولی .  
که گریگست ، نپذیرد رفوئی .  
اگر هم مرد دارد آبروئی .  
بساط آفرینش ، رنگ و بوئی .  
که باشد صحبت سنگ و سبویی .  
بغیر از جلب مردان ، آرزوئی .

میان «نیر» و «فرخ» برفته ست ،  
حدیث و گفتگویشان کرده بر پا ،  
سخن در باب زن گفتند و بسته ست ،  
نمیاید کشید این رشته راست ،  
تو، از زن آبرو کم ریز ، کز اوست ،  
نبود از زن جهان آرا ، نمیداشت  
تو، نیز از عشق و عفت دم فرو بند ،  
زنان ، ز آرایش ظاهر ندارند ،